



## نقش قلعه در شکل‌گیری و تحول تاریخی شهرهای کوهستانی ایران با تمرکز بر شهر سنندج

شاهو کشاورزی<sup>1</sup>

1- کارشناس ارشد طراحی شهری، سنندج، خ اکباتان، shahok@gmail.com

### چکیده

تاریخ تحولات سکونتگاه‌های انسانی و پیچیدگی و شدت و تواتر رویدادهای شهر در امتداد زمان حداقل از دو جهت واحد اهمیت است؛ در سطح اول این تاریخ بازنمون هویت شهر است دوم آنکه این امکان بوجود می‌آید با قرائت موشکافانه لایه‌های تاریخی برهم‌نشسته بتوان حقایق را بگونه‌ای دریافت که چراغ راهی برای حرکت در آینده باشد. این نوشتار نیز با هدف بازخوانی حقیقت‌های فضایی-کالبدی از روش بازخوانی متون تاریخی و ادبی موثر در بحث قلاع کوهستانی با تمرکز بر منشاء شکل‌گیری شهر سنندج به رشته تحریر درآمده است. در همین چارچوب است بدلیل ویژگی‌های عوامل اقتصادی و سیاسی موثر در تحول شهر و نقش بارز آنها نظریه‌ای ساخت ارباب-رعیتی<sup>1</sup> محلات شهری پیشنهاد می‌گردد که از هر نظر تابع قوانین ابطال‌پذیری حاکم بر نظریات است. انتظار می‌رود در راستای درک نحوه توسعه شهر سنندج بتوان پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های متناسب بر اساس داشته‌ها حقیقی را در تدوین تحول و تکوین شهر بدست داد چرا که مهمترین هدف از واکاوی لایه‌های تاریخی شهری شدن کمک گرفتن از تاریخ در تدوین برنامه‌های آینده است نه ارایه نگاه حسرت‌بار به گذشته که توأم با ناامید باشد.

واژه‌های کلیدی: ارگ، سینه دژ، ساخت اربابی، محلات شهر.

<sup>1</sup> نویسنده برای تبیین نظریه خود از کاربری واژه فئودالی پرهیز کرده‌اند زیرا که معتقد است نظام فئودالی دارای شرایط و خصیصه‌هایی است که عوامل شکل‌دهنده و بستر آن در این منطقه جغرافیایی موجود نبوده و یا متجلی نشده است از اینرو عبارت اربابی یا ارباب‌رعیتی را برگزیده است.



## مقدمه

چالش امنیت در کرانه غربی ایران؛ ساخت کوهستانی و حضور قوم کرد با خصوصیات متمایز اجتماعی و فرهنگی سه عامل اساسی شکل دهنده بر نحوه سکونت و ساخت سکونتگاه های انسانی در این ناحیه ایرانشهر اند. برای تامین انطباق زیست انسان بر این اقلیم سخت و ایجاد تعادل میان سه پارامتر فوق از پدیده ای دیرپا به نام قلعه بهره گرفته شده است. قلاع امنیت و اعمال حاکمیت را سهل می ساختند. بررسی شیوه حکومت و تعدد جنگ ها و نارآرامی ها در این منطقه چنین شیوه های زیستی را گریز ناپذیر ساخته است. برای اثبات تغییرات مداوم سیاسی در این منطقه همان بس که از سال 565 تا 1300 هجری شمسی 85 حاکم بر کردستان بامتوسط دوره حکومت اندکی بیش از هشتاد سال حکومت را برانداخته اند.

<sup>۱</sup> فارغ از ناامنی و ضعف دولت های مرکزی که در این دوران همه گیر بوده است چنین داده ای نشان از اهمیت فاکتور امنیت در این ناحیه از کشور دارد.

## بررسی تاریخی

در چنین چارچوبی قلاع کوهستانی به عنوان پاسخ کالبدی- فضایی به اقتضائاتی اینچنینی از اهمیت برخوردار بوده و در این نوشتار سعی بر آن بوده فتح بابی در واکاوی این نقش در شکل گیری یکی از زیباترین شهرهای ایرانی - که می توان آن را نوشهر بنیان نهاده دوردوره صفوی نام نهاد- را مورد بررسی قرار داد در محدوده ای که امروز کردستان ایران می نامیم ، آثاری از وجود مراکز جمعیتی در ایران پیش از اسلام وجود دارند. تپه باستانی زیویه و کرفتو در دوره اشکانی و سایر آثار، اگر چه نشانگر وجود مراکز جمعیتی در منطقه کردستان در پیش از اسلام است اما در سراسر منطقه نشانه های محکم دال بر وجود شهر به معنای واقعی کلمه به دست نیامده است. البته تخت سلیمان، شیزرا که در عهد ساسانی از آن به عنوان شهری و با کار کرد آیینی و مذهبی مورد استفاده قرار می گرفته نباید از نظر پنهان داشت. دلایل تاریخی بیانگر آن است که در محدوده ای که امروزه کردستان ایران نامیده می شود شهر نشینی بسیار دیر به وجود آمده است. مهمترین علت کوهستانی بودن منطقه است، کردستان ایران را کوههای بلند احاطه کرده اند. (مطالعات بوم نگار پارس، 1383: 58)

امانبود یکی از اصیلترین عوامل توسعه و پیدایش شهر یعنی راه نیز در این میان عامل باز دارنده مهمی بوده است. هیچ یک از راههای اصلی دوران باستان (راه ابریشم - راه شاهی) از کردستان عبور نمی کرد. دهکده هایی که در دوران باستانی در کردستان ایران وجود داشته به دلیل ارتفاعات بلند، زمستانهای طولانی و عدم دسترسی در بیشتر ایام سال، نتوانسته اند به مراکز بزرگ مدنی تبدیل شوند.

شاهد این مدعا وجود مشکلات زیاد در تصرف کردستان توسط سپاه اسلام بوده وجود استحکامات بسیار محکم و راههای صعب و کوهستانی سپاهیان اسلام را همواره با شکل روبروی ساخت اما نبود ساختار و نظم دفاعی آن طور از شهر مورد هجوم قرار گرفته انتظار می رود، همواره موجبات شکست این مکانهای روستایی را فراهم می کرده است. در کتاب تحفه ناصری نحوه حمله سپاهیان اسلام به شهر (پاوه) به خوبی بیانگر این وضعیت است.

اصولا کوهپایه های زاگرس به صورت حائلی بین فلات ایران و شرق و دشت حاصلخیز بین النهرین در غرب، و جلگه خوزستان در جنوب قرار گرفته اند. در واقع پس از استقرار مهاجران آریایی در فلات مرکزی ایران صعوبت و مشکلات خاص کوهپایه های زاگرس از نظر آنها مفهومی استرا تژیک پیدا کردند، چرا که به واسطه تسلط بر این ارتفاعات آنها می توانستند بر قسمت اعظم بین النهرین حاصلخیز مسلط شوند، کوهپایه های زاگرس کلید دسترسی به بین النهرین قلمداد می شد، زیرا نبود خاک مناسب و غنی و آب کافی در یک طرف کوهپایه زاگرس (قدرت مرکزی ایران) و وفور این موارد در طرف دیگر (بین النهرین) همواره استراتژی دستیابی به بین النهرین را در اولویت کار دول مستبد مستقر در

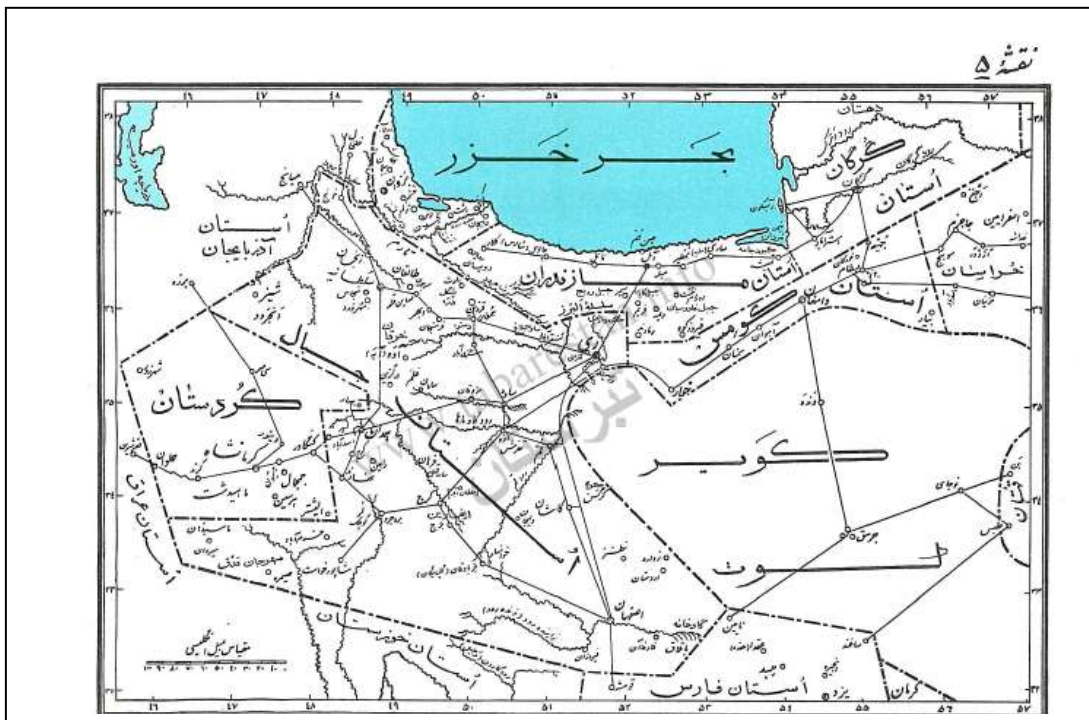


فلات ایران قرار می‌داد. آنان برای دستیابی به ثروت عظیم بین‌النهرین در مناطق غربی کوهپایه‌های زاگرس شهرهایی ایجاد کردند. (مطالعات بوم‌نگار پارس 1383: 59)

این شهرها دارای خصوصیات ذیل بودند:

- 1- از نظر جمعیتی و کالبدی جمعیت و فضای کالبری اندکی را به خود اختصاص می‌دادند.
- 2- نقش دفاعی - تجاری آنها همواره در وابستگی محض با راهها بود.

مهمترین راهی که از رشته کوه زاگرس می‌گذشته و اهمیت بسیار زیادی داشته است. همان راهی است که امروزه به آن جاده ابریشم گفته می‌شود. بسیاری از شهرهای کوهپایه‌های غربی زاگرس بر این راه ساخته شدند علاوه بر آن در کوهستانهای زاگرس معابر دیگری نیز وجود دارد که ارتباط فلات ایران بین‌النهرین را برقرار می‌ساخته است. برخی از شهرهای کرد نشین در کناره‌های معابر کوهستانی ساخته شده‌اند که قصر شیرین، مریوان و شهر زور (بر سر راه مدائن ششیز) از آن جمله‌اند. همچنین در قرن هفتم هجری حمدالله مستوفی به شهرهایی چون "در بند تاج خاتون" و در بند زنگی که اشاره می‌کند که امرئ اثری از آنها وجود ندارد. اما چون در بند به معنی معبر کوهستانی است، چنین بر می‌آید که در مرزهای غربی کردستان در میان کوههای مشرف به جلگه بین‌النهرین واقع بوده است (لسترنج، 1377: 208)



شکل 1- در نقشه فوق که احتمالاً به دوران پس از مغول باز می‌گردد محدوده مشخص بخت عنوان کردستان مشخص شده است مأخذ (لسترنج، 1377: 199)

بنا بر این شهرهای موجود مناطق کرد نشین در مکانهایی به وجود آمده‌اند که برای حکومتها اهمیت سوق الجیشی و اداری و سیاسی داشته است. بهمین دلیل سایر نقاط در کوهستانهای زاگرس، که چنین موقعیتی را نداشته‌اند در انزوا قرار گرفته‌اند، و بسیار دیرتر به مرحله ایجاد شهر رسیده‌اند، بخش عمده محدوده‌ای که امروز کردستان ایران خوانده می‌شود، یکی از این مناطق بوده است که به دلایل یاد شده دیرتر از نقاط دیگر به عرصه تا سیس شهر گام نهاده است. (مطالعات بوم‌نگار پارس، 1383: 60)



مزارع و دژهایی که در کردستان به وجود آمدند در واقع نطفه پیدایش شهرها و توسعه آنها در این خطه بودند، به همین دلیل قلعه نشینی و چگونگی استقرار و ایجاد آن در کردستان اهمیت بسیار زیادی دارد. جالب است که بدانیم شهر سنندج نه تنها بر محور چنین قلعه ای شکل گرفته بلکه حتی اسم خود را نیز از آن وام گرفته است. "سنه دژ" اما قلعه مرکز ثقل و نقطه آغاز زندگی شهری چون سنندج می باشد. قلعه خواستگاه مدنیت و شهر نشینی در مکانی است که بعداً سنندج نامیده میشود. از این رو لازم است که شناخت بهتری از کارکرد و ساختار قلاع در ایران کرده و مطالعه خود را اختصاصاً بر قلعه سنه دژ متمرکز نماییم.

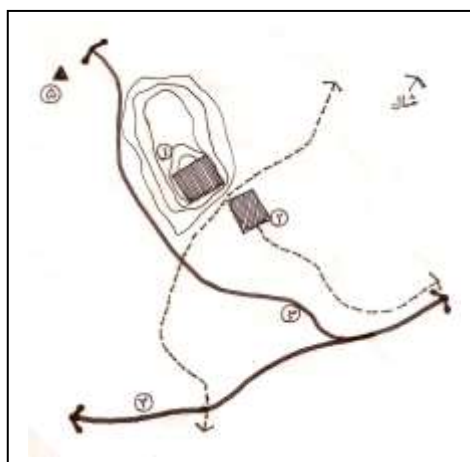
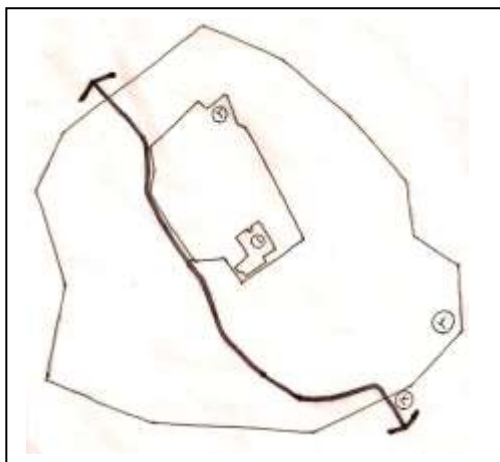
### مختصری درباره قلاع

علت ایجاد قلاع در ایران را می توان در موقعیت خاص جغرافیایی اهمیت راهها و حفاظت از آنها و وجود حملات گسترده و مداوم مهاجمین دانست. ساخت قلاع قدم محکمی در جهت تثبیت موقعیت سیاسی و بقای حکومت بر هر نقطه زیستی محسوب می شد. کارکرد غالب قلاع نظامی بوده و اعمال قدرت توسط شاه یا والی از آنجا صورت می گرفت. دژها از نظر مکان جغرافیایی و محل استقرار به دو قسم دژهای جلگه ای و دژهای کوهستانی بود با توجه به تمرکز این نوشتار بر دژهای کوهستانی می پردازیم.

درون باروی اصلی اتاق های متعددی برای دژ نشینان و اسبان و سایر لوازم در نظر گرفته میشد. این بناها در غالب دژها شکل منظم هندسی ندارد. قلعه بیش از هر چیز باید مستقل بوده و در صورت لزوم توانایی انفکاک و استقلال از محیط اطراف خود را داشته باشد. (مطالعات بوم نگار پارس، 1383: 63)

### مکان ارگ:

فضای ارگ در شهر با توجه به ویژگیهای جغرافیایی زمین و راههای منطقه ای پیرامون آن و موقعیت نظامی دفاعی شهر تعیین می شد. چگونگی فضاها و عناصر مهم هر شهر مانند بازار و مسجد جامع و مهمترین دروازه های شهر می توانست در شکل گیری محل استقرار ارگ تاثیر داشته باشد. ارگ باید در ارتباط تنگاتنگ کالبدی اجتماعی با این عناصر باشد، زیرا که از مهمترین کارکردهای نظارت بر شیوه زیست و معیشت و عبادت در جایگاه های مربوط به این فعالیت است. ارگ نشین با نزدیکی با این کانونها در جریان فعالیت شهری و سایر امور قرار می گیرد و بر اوضاع و احوال اشراف دارد. معمولاً ارگ در بخشی از شهر که نسبت به نواحی مجاور خود از ارتفاع بیشتری برخوردار بود و در نتیجه از نظر دفاعی دارای موقعیت مناسبی بود مستقر می شد.



تصویر 2- راست: جایگاه دو عامل ارگ و محل زیستگاه احتمالی باستانی سنه. در تصویر راههای دسترسی و مسیر رودخانه های قشلاق و دره بیان و همینطور کوه آبدیر مشخص است. تصویر 3- چپ: محل باروی شهر و باروی ارگ و عمارت اصلی قلعه مشخص شده است. (کشاورزی، 1385)



در کتاب تحفه ناصری آمده است: "قلعه حکومتی سنندج بر بالای تپه ای واقع است که از هر طرف 20 ذرع ارتفاع دارد و در وقت لزوم سرکوب همه شهر است". (سنندجی، 1364: 15)

در واقع کاراکتر اصلی قلعه سرکوب بودن آن، نظارت تمام، ایجاد امنیت و انتظام بخش جبری به فعالیت بوده که یکی از الزامات دستیابی به چنین جایگاهی ارتفاع و اوج گیری فضایی خواستگاه قدرت بوده است. ارگها کانونهای زیستی تقریباً ایزوله شده و خود فرمان و خود یار بوده اند. فضاها و عناصر و تاسیسات درون هر ارگ به گونه هایی بود که امکان زندگی نیمه مستقل را برای ساکنان آن تامین می شود و به آنها امکان می داد که در صورت محاصره شدن بتوانند برای مدتی بدون نیاز به فضای خارج به زندگی خود ادامه می دهند.

### جایگاه و مفهوم قلعه در تاریخ کردستان

مطابق با مندرجات کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، نام کردستان برای اولین بار پس از اسلام در کتاب نه هت القلوب حمداله مستوفی آمده است. بنا بر گزارش مستوفی، کردستان بخشی از ایالت جبال بوده است. در نیمه قرن ششم هجری سلطان سنجر سلجوقی قسمت غربی ایالت جبال را که از توابع کرمانشاه بود، جدا می کند و آن را کردستان می نامد. و برادر زاده خود "سلیمان شاه" را فرما نروای آنجا می کند. وی شهر بهار نزدیکی همدان را مرکز حکومت خویش قرار می دهد. و در آن قلعه ای مستحکم بنا می کند. (لسترنج، 1377: 208)

بدین ترتیب این قلعه اولین قلعه در کردستان است که ما از آن اطلاع داریم. از علل انتخاب این محل به عنوان پایگاه قدرت می توان نزدیکی به مرکز حکومت سلجوقیان و اینکه محل مذکور در خارج از محدوده کوههای مرتفع کردستان قرار داشته است را نام برد. و این موضوع در تاسیس خود قلعه نیز بی تاثیر نبوده است. (مطالعات بوم نگار پارس، 1383: 71)

اما در کتاب سرزمین جاوید اثر گرشیمین داستان جالبی درباره کردستان و قلعه ای در سنندج آمده است که بسیاری از فرضیات را در مورد اولین استقرار قلاع در این خطه و تاریخ قلعه سنندج تغییر می دهد بدین معنی که احتمالاً قلعه مستقر در بهار اولین قلعه در کردستان نبوده بلکه قلعه سین دژ در دوره ماد و هخامنشی قرنهای زودتر از آن پایه گذاری شده بود:

"در همان اوقات که خبر وقایع مصر به اطلاع داریوش اول رسید، یک واقعه ناگوار دیگر هم برای داریوش اول اتفاق افتاد و آن این بود که پسر بزرگش "آرتو بازان" بر پدر شورید.

در پی انتصاب خشایار شاه به ولیعهدی توسط داریوش، آرتو بازان که در آن موقع ساتراپ و به قول ایرانیان خستر پاون در آذر بایجان بود خیلی متأثر شد و تصمیم داریوش را ظلمی بزرگ نسبت به خود دانست. اگر داریوش اول در حال حیات نبود آرتو بازان خود را پادشاه ایران می نامید، اما داریوش اول بزرگتر از آن بود که پسرش بتواند در زمان حیات وی خود را پادشاه ایران بنامد و چون نمی توانست آن تبعیض را تحمل کند، از طاعت پدر خارج شد.

آرتو بازان به کردستان حمله ور گردید و آنجا را اشغال کرد و آنگاه در صدد بر آمد که به کارامیسین که امروز مرسوم به کرماشاهان است حمله ور شود.

داریوش می خواست که از کردستان صرف نظر کند که کردستان هم جزو حوزه حکومت پسر بزرگش باشد، اما آن موضوع کسانی را که تا آن روز از بیم او، جرات نمی کردند سربلند کنند جری می کرد و آنها در صدد بر می آمدند که حوزه فرماندهی خود را از کشور ایران جدا نمایند و خود را مستقل بدانند. از آن گذشته داریوش اول فکر سلطنت خشایار را می کرد و پیش بینی می نمود که پس از مرگ او بین آرتو بازان و خشایار جنگ برادر کشی شروع خواهد شد و تا یکی از آن دو به قتل نرسد یا از پا در نیاید آن جنگ خواتمه نخواهد یافت. آرتو بازان نتوانست کارامیسین را بگیرد،





چون داریوش نیرو به آنجا فرستاد و در عوض به آسیای صغیر حمله ور گردید و تصمیم گرفت تمام کشورهای آسیای صغیر را تا کنار دریای غربی به تصرف در آورد، اما باز نتیجه نگرفت. از آن به بعد داریوش دانست که چاره ندارد جز اینکه با پسرش بجنگد، چون اگر وی را بر سر جایش ننشاند امپراتوری بزرگ او متلاشی خواهد شد. وقتی داریوش با قشون خود از جانب ایران به راه افتاد پسر بزرگش در "سین دژ" بود و بعد از حمله ای که به آسیای صغیر کرد چون نتیجه نگرفت به سین دژ واقع در کردستان برگشت و امروز سین دژ را سنجندج می خوانند. سین در زمان پهلوی هخامنشی یکی از اسامی آفتاب بود و بر اثر تفاوت لهجه شین شد و تمام سین هایی که در آغاز اسامی شهرهای ایران دیده می شد و به معنای آفتاب می باشد. (موله، هرتز فلد، گریشمن، 1378:1047)

آریان مورخ معروف راجع به سین دژ چنین می گوید:

"قلعه ای بود واقع در یک دشت محاط از کوه و ایرانیان عقیده داشتند که آن قلعه را دا-اه -وه ساخته است" دا-اه-وه کلمه ای است که در زبان فارسی امروزی به شکل "دیو" در آمده و سین دژ آنقدر محکم بود که مردم تصور می کردند آن قلعه را دیوها ساخته اند و ساختن یک چنان قلعه را به دست آدمی غیر ممکن می دانستند و اگر در آن قلعه آذوقه کافی فراهم می کردند چون چند چاه آب داشت می توانستند تا مدتی نامحدود مقاومت کنند. دیوارهای قلعه آنقدر بلند بود که کسی نمی توانست بر آن صعود نماید و آن قدر استحکام داشت که هیچ منجیق قادر به ویران کردن آن نبود. آریان می گوید ایرانیان عقیده داشتند که در قدیم یک دیو بزرگ مدت هفت هزار سال در آن قلعه مقابل تهاجم نسل های متعدد آدمیان مقاومت کرد. ولی (به قول آریان) آن افسانه قابل قبول و قلعه سین دژ را "ایشتو ویگو" پادشاه معروف ماد ساخت و برای ساختن آن قلعه سنگی از ایران آشوری استفاده کرد. (موله، هرتز فلد، گریشمن، 1378:1048)

بهر حال اگر واقعه مذکور معتبر باشد یا نه، باید در تعیین و تشخیص قدمت، قلعه سنندج دقت بیشتری به خرج داد اگر یافته های گریشمن صحیح باشد قلعه ذکر شده سنندج اولین جایگاه تمدن در ناحیه کردستان بوده و اما البته قلعه نامبرده همان قلعه سنندج که در کتب تاریخی محلی نامبرده شده یا نه جای بحث دارد.

بر طبق گزارش گریشمن آریان مورخ معروف راجع به سین دژ گفته که: "قلعه ای بود واقع در یک دشت محاط از کوه که به عقیده ایرانیان دیوها آن را ساخته و از آن محافظت می کردند و قلعه بسیار محکم دست نیافتنی است" حال کاوشهای باستان شناسی باید مشخص کنند که آیا در قلعه سنندج کنونی آثاری از پایه های یک دژ مادی دیده میشود یا نه. چرا که امکان دارد، دشت محاط شده از کوه به قول آریان همین ناحیه تقریباً پست شهرسنندج که در میان کوهها قرار گرفته باشد. در جای دیگر این متن داریوش به افسر مامور قلعه خاطر نشان کرده "اینجا دشت است نه کوه" اگر نتوانی با حمله مستقیم این قلعه را تصرف کنی می توانی نقب حفر نمایی. از راه نقب وارد قلعه شوی. اینکه وی بر دشت بودن اطراف قلعه تاکید کرده می تواند در مکان یابی و تخریب مکان احتمال قلعه به ما کمک بسیاری نماید.

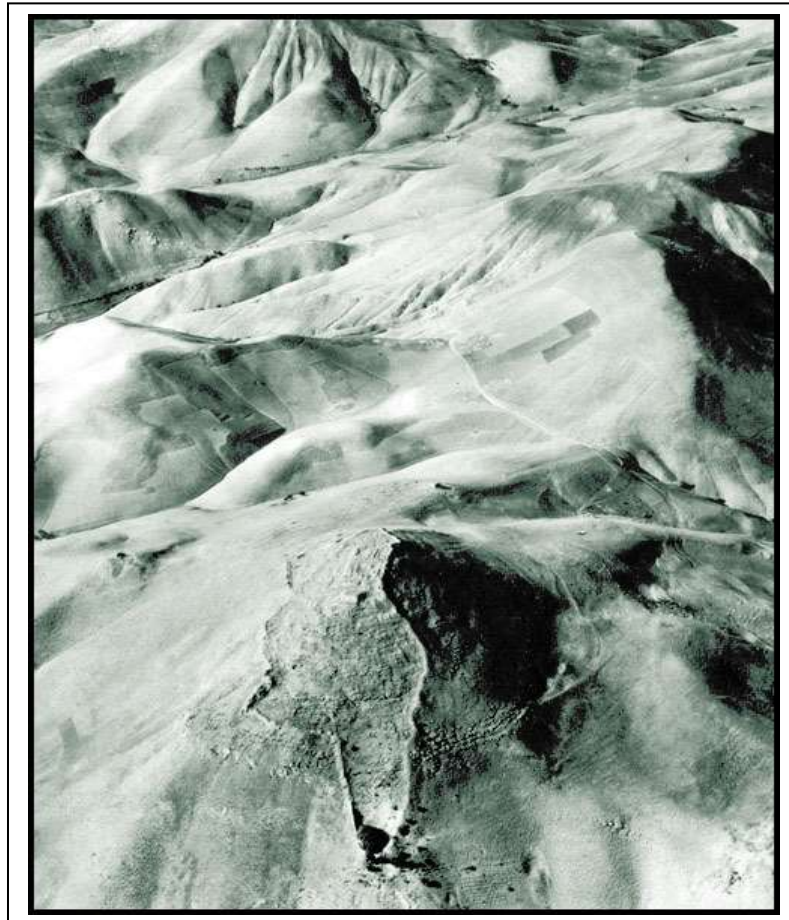
اما باز به اسناد تاریخ محلی کردستان توسط مورخین محلی باز می گردیم:

به گفته میرزا شکراله سنندجی در کتاب تحفه ناصری، پیش از حمله مغول محدوده کردستان از شرق به همدان از غرب به اردبیل - از شمال به زنجان و از جنوب به کرمانشاهان پیوسته است. او در این زمان مرکز کردستان را قلعه زلم در ناحیه شهر زور معرفی می کند. سلسله اردلان از بدو حکمرانی تا زمان انقراضشان در 4 نقطه محل سیاست و فرمان گذاری داشته اند. اول در قلعه زلم در ناحیه موصول دیار بکر - قلعه زلم در غربی ترین ایالت کردستان قرار داشته است و توسط خاندان اردلان که در ناحیه مذکور که از سال 564 ه.ق حکومت نیمه مستقلی را تشکیل داده بودند. (سنندجی، 1364:15)

فخر الکتاب می افزاید: " اردلان قلعه، زلم را در نهایت استحکام و حصانت به جهت دارالملک خویش بنیاد نهاد" (سنندجی، 1364:26)



برسی علل انتخاب این محل و ایجاد قلعه توسط خاندان اردلان در این مکان بسیار جالب توجه می باشد. خاندان اردلان برای حفظ دفاع از حکومت مرکزی ایران بار از خاستگاه قدرت فاصله می گیرند و پایگاه قدرت محلی خویش را در مکانی در منتها البه حوزه نفوذ حکومت مرکزی قرار می دهند. به همین دلیل است که این بار به جای شرقی ترین نقطه کردستان از غربی ترین نقطه برای ایجاد قلعه استفاده شده است.



تصویر 4- تصویر هوایی از خرابه های قلعه حسن آباد. ماخذ (اشمیت، 1376)

شیوه معیشتی مردم کردستان در این دوران بر پایه دامپروری و زندگی عشیره ای و کوچ نشینی بوده است. شیوه زندگی یکجا نشینی غالباً در دوره های عمیق و در کنار باغات و زمینهای مجاور رود خانه می بوده است. آبادیها و نقاط زیستی محدودی که قرنهای پیش به وجود آمده بودند در همان فضای کالبدی بدون میل به توسعه و گسترش و کسب درجه شهریت به زیست خود ادامه می دادند. (مشاور بوم نگار پارس، 1383:72)

حکام محلی کرد برای حفظ امنیت و استقلال خود با گسترش کانونهای زیستی مخالفت می کردند آنها دارالحکومه خود را بیشتر بر بالای کوههای بلند و به صورت قلعه های نظامی بنا می کردند. از نظر آنان فرمانروایی محدود و انتظام به محدوده نفوذی که به آبادیهای کوچک در آن قرار داشتند بهتر از حکومت بر شهرها بود چرا که شهر عاملی بود که حکومت مرکزی را به دخالت و حضور در منطقه تشویق می نمود. این مسئله با استقلال نسبی خاندان اردلان در ادوار اولیه حکومتشان در تضاد بود. پس از حمله مغول "کلول" پسر اردلان حکمران کردستان بود وی دار الملک را از زلم به قلعه پلنگان آورد. و دو قلعه دیگری یکی در مریوان و دیگری در حسن آباد بنا می کند. قلعه حسن آباد در 6 کیلومتری جنوب غربی سنندج قرار دارد. (بوم نگار پارس، 1383:73)



تغییر مکان قلعه ها از منتها الیه غربی حوزه ایالت به نواحی مرکزی را می توان در دو دلیل دانست:

1- امکان دفاع بهتر در مقابل مغولها

2- تمایل به حکومت مرکزی در دوری صفوی و همچنین به رسمیت شناخته شدن حکومت محلی

در سال 2040 ه. ق در زمان حکومت شاه صفی ، وی برای اینکه بتواند تسلط بیشتری بر کردستان بیابد به فکر ایجاد یک مرکز سیاسی - اداری و نظامی جدید در درون کوههای کردستان می افتد. دلیل ایجاد چنین مرکزی کاستن از درجه اهمیت قلاع پلنگان و حسن آباد بود. که به جایگاه والیان سرکش تبدیل شده بودند. شاه صفی با گماردن حاکم مطمئن و محل وثوق خود در مرکز جدید قصد تسلط بر نطقه نفوذ کردستان را داشت تا بدین وسیله بتواند حضور حکومت مرکزی را در کردستان استمرار بخشد. بدین ترتیب شاه صفی یکی از نوکران وفا دار و مورد اعتماد خود را به نام "سلیمان خان اردلان" را در سال 1040 ه. ق حاکم کردستان کرد. سلیمان خان چون به کردستان آمد مطابق تعهد خود قلاع نا مبرده را ویران نمود و در عوض سنندج را آباد کرد به این ترتیب سنندج به عنوان مرکز اداری - سیاسی و نظامی پا به عرصه وجود نهاد. (بوم نگار پارس 1383:74)

علاوه بر آنکه در شهر سنندج میتوانستند امنیت کافی را در برابر دیگر قبایل کرد تامین کنند، به دلیل موقعیت ویژه سنندج که در انتهای دره ای قرار دارد و کوههای بلند آن را در بر گرفته اند، امکان کنترل و اشراف حکومت مرکزی بر آن بیشتر از گذشته که مرکز حکومت بر فراز قله مرتفع قرار داشت وجود داشته است. در واقع حکومت مرکزی با پایه گذاری سنندج ایالت کردستان را برای همیشه در اختیار خود داشت.

با بررسی های بیشتر تاریخی پی میبریم که از تاریخ تاسیس شهر همواره از میزان استقلال حاکمان کرد بر ایالت کردستان کاسته شده است شهر به مکان رسمیت یافتن حکومت مرکزی و تابعیت حکومت مرکزی مبدل می گردد. اما ساخت قلعه پیامد امنیت همراه دارد امن بودن سنندج منجر شد که بسیاری از خوانین کرد تحت لوای حکومت مرکزی در شهر سنندج استقرار یابند و مقر خود را نیز در این شهر قرا دهند. .

در نتیجه خان های با نفوذ کرد پس از احداث شهر سنندج به تدریج کاخ ها و منزل اشراف خود را در پیرامون قلعه حکومتی بنا کردند و به دلیل اینکه هر یک از این خوانین مباشرین و رعایا و خدمت گزاران و وابستگان مخصوص خود را داشتند. بسیاری از این افراد نیز به مرور زمان در پیرامون منازل اشرافی خانهای کرد متناسب با جایگاه طبقاتی خود تجمع کردند. هسته اولیه محلات شهر در نتیجه چنین فرایندی شکل پذیرفته است. چنان که محله قدیمی سر تپوله در پیرامون منزل مشیر دیوان و آصف به وجود آمده است. محله قطار چیان در کنار منزل وکیل احداث شده و محله آقا زمان و مرکز تجمع اقلیت های دینی و مذهبی در شهر سنندج بوده است. محله میان قلعه پیرامون خانه مشیر وزیر ، و حبیبی - محله قلعه چوار لان پیرامون منزل معمارباشی و صادق وزیر احداث شده اند. در واقع ساختار اجتماعی جامعه فئودال کردستان بیشترین تاثیر را در شکل گیری هسته اولیه شهر داشته اند.

و متعاقب آن سایر عوامل کالبدی در فضای محلات شهر به وجود می آید. بررسی بیشتر به ارائه تئوری در مورد تاثیر قابل توجه نظام ارباب-رعیتی در شکل گیری سنندج منجر می گردد.

### نظریه ای در شکل گیری شهر سنندج

سنندج پیدایش خود را مدیون قلعه حکومتی مستقر در آن می باشد. هسته اولیه قلعه ( ارگ) با جذب عناصر مهم برای تشکیل مزیت شهری مانند مسجد ( جایگاه اجتماعی - سیاسی - مذهبی ) حمام ، بازار (محل فعالیت های اقتصادی ) موجبات رسوب و جذب جمعیت و ایجاد بافت اولیه محدودی را به دور خود فراهم می آورد. البته با توجه به موقعیت استراتژیک ارگ در منطقه امنیت به وجود آمده عاملی حائز اهمیت محسوب می شود. در واقع ارگ و والی (خان) حضور و چیرگی خود را در قالب فضای کالبدی غالب بر فراز تپه ای به وجود می آورد و بدین وسیله محدوده امنیتی خاصی





راکه مکان تجمع مدنی و فعالیت شهری را فراهم می‌شد زیرا که پیدایی بازار و کارکرد های اقتصادی شهر نیاز به ایجاد امنیت دارد. اما توسعه بعدی و ایجاد محلات شهر حاصل پراکنش خوانین فئودال و تجار بزرگ بود. در واقع نظریه قابل طرح در اینجا توسعه شهر بر مبنای تاثیر پذیری از هژمونی اربابان و تبعیت رعایا است. در مرحله بعدی بازرگانی در شکل ابتدایی خود نیز در تعامل با هژمونی اربابی - رعیتی به شکل گیری محلات در شهر کمک می نماید



شکل 5- محدوده تقریبی محلات که به صورت منظومه های با هسته اربابی توسط رعایا بر گرد خانه اربابی شکل گرفته و هسته اولیه محلات بر گرد ارگ را شکل داده اند. ماخذک: (کشاورزی، 1385)

### بررسی استقرار کالبدی ارگ و عناصر شهری و پیدایش شهر سنندج

انتخاب محل کنونی برای انتقال و مرکز حکومتی کردستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص آن بود که امکان بیشتری را برای حفظ امنیت دار الحکومه برای حکومت مرکزی فراهم می ساخته است. در واقع حاکمان توسط حکومت مرکزی در کردستان منصوب می شدند. مراحل رشد و توسعه شهر سنندج را به لحاظ تاریخی و کالبدی - فضایی میتوان به دو بخش تقسیم نمود:

- 1- ساخت قلعه بر فراز سکونتگاهی بدوی سپس ایجاد عملکردها و عناصر شهری و جذب جمعیت اولیه و قوام یافتگی تدریجی مدنیت در شهر سنندج همزمان با ساخت قلعه به انجام میرسد.
  - 2- پراکنش خان های فئودال و تجار بزرگ به دور قلعه مرکزی ، آنها هر کدام مکانی را برگزیده و عمارت مجهز و بزرگی را بر پا داشتند و موجبات جذب خدمت گزاران و نزدیکان را در اطراف خود به وجود آوردند و منطقه محلات شهری تحت نفوذ مالکیت فئودال بوجود می آید.
- خانهای فئودال و طبقه تجار و سوداگر مکان های استقرار آنها به مثابه هسته های ثانویه رشد و توسعه شهر سنندج درست به همان صورت که ارگ عامل جذب مردمان اولیه شهر بود عمل میکردند.
- ساختار کالبدی و فضایی محلات شهر بر محوریت عمارات فئودالی و پایگاه های طبقه بورژوا شکل می گیرد و قوام می یابد و توسعه پیدا می کند. عمارت های فئودالی و همینطور منازل تجار بزرگ کانون رتق و فتق امور حوزه نفوذ خود بود. که این حوزه نفوذ در دوره های بعدی لبه ها و مرزهای محلات را تشکیل می دهد. نکته حائز اهمیت در این است که در



سندج جدایی‌گزینی بر اساس اختلافات قومی، عشیره‌ای و مذهبی شدید که شاخص اصلی محلات در شهرهای دیگر چون اصفهان است (محلات حیدری - نعمتی) نمی‌باشد. بدین معنی که این تمایزات قومی و عشیره‌ای و مذهبی نیستند که ساکنان محلات را در مکان‌گزینی رهنمون می‌شوند بلکه وابستگی به هر کدام از فئودالها یا تجار بزرگ تعیین‌کننده شیوه زیست و استقرار افراد شهر هستند. غالب شهروندان رعیت فئودال می‌باشند که قبلاً در روستا بر زمین‌های وی کار می‌کرده و حال در جوارسرور خود مکانی را در شهر برمی‌گزینند و تحت نظارت فئودال به زندگی در شهر می‌پردازد. کم‌کم جایگاه‌های استقرار گسترش می‌یابند و محلات را تشکیل می‌دهند.

با گذر زمان و انقراض قاجاریه و آغارسلطنت پهلوی اصلاحات ارضی و از بین رفتن ساختار فئودالی عمارت‌های فئودال کانون‌گرایی خود را از دست می‌دهند، اما رعایا اکنون ساکنین شهر و شهرنشین شده و به تعامل خود به شیوه نوین با سیستم اداری حکومتی جدید ادامه می‌دهند. همان‌گونه که گفته شد، محلات شهر پیدایش خود را مدیون دو طبقه اجتماعی خوانین کرد فئودال و طبقه بورژوازی تجار و سوداگران که در واقع مهاجرانی بودند که از فلات مرکزی ایران علی‌الخصوص از پایتخت (اصفهان) در دوره صفوی به شهر وارد شدند و پایه‌های تجاری اقتصادی شهر را تاسیس نمودند می‌باشند. در تاریخ مردوخ در تو صیف شجره خانواده موسوم به وزیرمی آمده است که:

"این خانواده تقریباً از دویست سال قبل تشکیل سلسله دادند و جزو خانواده‌های کردستان شدند. اعلی‌الجد ایشان خواجه ابراهیم پسر خواجه یوسف بزاز اصفهانی است که هلو خان اردلان در سال 1022 هجری خواجه ابراهیم را از اصفهان به قلعه حسن آباد می‌آورد" (مردوخ، 1350: 253)

هر قدر که تجارت و فعالیت‌های اقتصادی و در شهر رونق می‌گرفت و توسعه می‌یافت، پایگاه‌های تجار و مکان استقرار آنها اعتبار و ارزش برابر با هم‌تاهای فئوال خود یافتند. محلات شهر حاصل تعامل و همزیستی دو طبقه برتر اجتماعی خوانین و طبقه تجاردر کنار هم بوده است.

شهر در هر دوره بر اساس تمایلات خان حاکم تغییراتی را به خود می‌دید. در دوره صفوی به علت ایجاد رابطه خانوادگی صفویان با خان اردلان تمایل به ساختار شهر بر اساس اصول مکتب اصفهان شکل می‌گیرد. دختر پادشاه و همسر حاکم از او شهری مثل اصفهان را طلب می‌کند. از این رو در این دوره عناصری بمانند چهارباغ - بازار و ... مطابق مکتب اصفهان شکل می‌گیرند. این دوره را می‌توان به عنوان لایه‌ای تاریخی از گذشته قلمداد نمود لایه‌ای که چیزی از آن و ارزشهای معماری آن تقریباً بر جای نمانده است.

### جایگاه و موقعیت قلعه سندج در ایجاد شهر؛ زمان و چگونگی احداث شهر:

سلیمان خان وقتی که به امارت کردستان دست یافت در سال 1046 ه. ق شهر سندج را در محل روستای قدیمی سنه بنا نمود وی ضمن آباد کردن سندج، قلعه حکومتی را در بالای تپه‌ای در محلی که امروزه باغ فردوس سندج گفته می‌شود بنا کرد و در خارج و اطراف قلعه عمارت و حمام و مسجد و بازاری هم بنا نمود. .  
فخرالکتاب مینویسد: "قلعه حکومتی را در بالای تپه در کمال استحام بنیاد نهاده که الان همان قلعه دارالایاله کردستان است و در وسط شهر اتفاق افتاده است." (سندجی، 1364: 30)  
بنابراین هسته اولیه شهر مانند بسیاری از شهرهای ایران در پیرامون قلعه حکومتی شکل می‌پذیرد.

### ویژگی‌های قلعه سندج

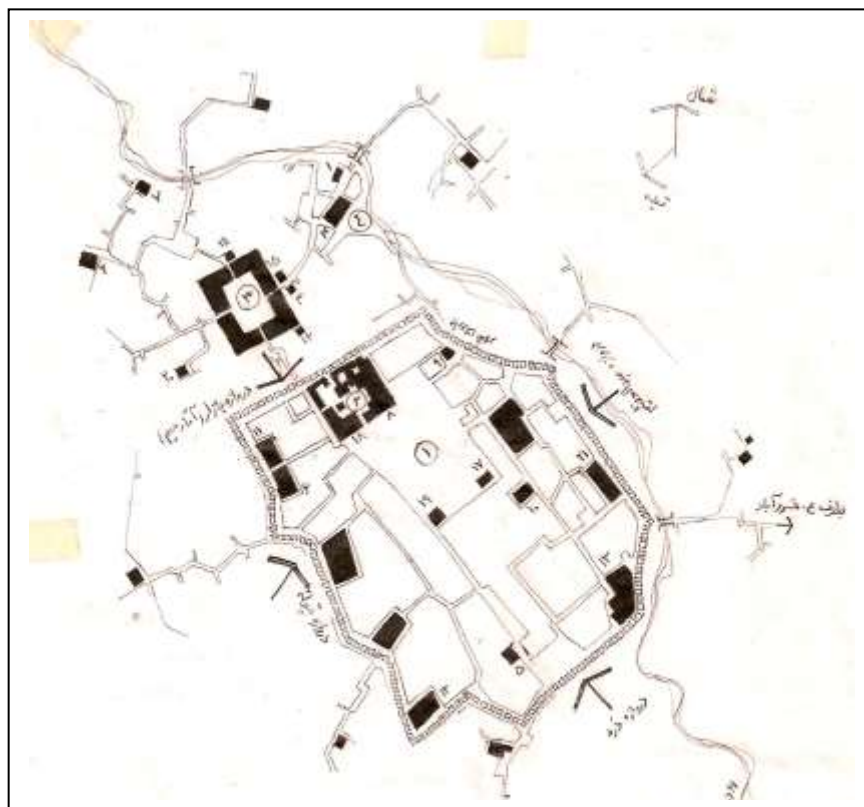
شهر سندج نیز مانند بسیاری از شهرهای قدیمی ایران دارای قلعه حکومتی بوده است. که در مرکزیت و حوزه بافت قدیم و به روی تپه‌ای مشرف به تمام شهر بوده است. موقعیت کوهستانی منطقه کردستان و تسلط نظام خان‌خانی منطقه باعث شده که اکثر مقرهای حکومتی در مناطق استراتژیک و مسلط بر نواحی اطراف انتخاب شود. (مشاور بوم



نگار پارس، 1383:77) میرزا شکراله سنندجی در کتاب تحفه ناصری می نویسد: "این قلعه از هر طرف شهر ذرع ارتفاع دارد و در وقت لزوم سرکوب همه شهر است." (سنندجی، 1364:15) پس از استقرار مقرر حکومت کردستان توسط سلیمان خان اردلان، وی قلعه حکومتی را در وسط شهر و بر روی تپه ای به ارتفاع 20 متر که از هر طرف مشرف به شهر است می سازد. ظاهراً قلعه ای مذکور به قلعه فردوسی شهرت داشته است. قلعه مذکور به همین صورت باقی می ماند تا زمان حسنعلی خان والی در سال 1116 ه. ق حسنعلیخان در میان قلعه حکومتی چند عمارت و تالار بنیان می نهد و نیز حمای را در آن دایر می کند. بنا به گزارش صاحب حدیقه ی ناصری: در سال 1132 ه. ق "خانه پاشای بابان" در کردستان به حکومت می رسد. وی مسجد و مدرسه بزرگی را در شهر سنندج برپا می کند که دو مناره بلند داشته است. این مناره ها یکصدسال بر پای بوده است. تا در زمان امان الله خان نابود می شود. (مردوخ، 1350:343)

امان الله خان والی کردستان بنا به غیرت و تعصب مسجد را خراب و مناره را از جای در می آورد و باغی را در جای آن بنا کرده که باغ فردوس مشهور است که حالا باغ هم بکلی ویران شده و میدان مشق قشونی گشته. (مردوخ، 1350:344)

قلعه حکومتی نیز در دوره ی افشاریه نیز دارای تالار های متعدد و بزرگی بوده است. در سال 1147 ه. ق نادر شاه افشاریه به سنندج سفر می کند و در قلعه مذکور مستقر میشود. وقایع نگار می نویسد: نادر شاه در هجدهم صفر همین سال به شهر سنندج وارد شد. در تالار رو به شمال قلعه ی حکومتی آنجا که به تالار تیوله اشتها دارد و در آن وقت این تالار بیست ذرع طول و دروازه ذرع عرض داشته، نشسته و بار عام داد. (مردوخ، 1350:345)



اوج آبادی قلعه حکومتی سنندج در زمان امان الله خان بزرگ بوده که متشکل بود از یک میدان مرکزی با حوض استخر در وسط که گرداگرد آن 4 تالار روبه شمال - جنوب مغرب و مشرق قرار داشته است. (ماخذ (کشاوری، 1385).

در سال 1116 در دوره ی کریم خان زند، حسرو خان پسر احمد خان اردلانی ده والی کردستان بود در آبادانی شهر سنندج بسیار می کوشد. صاحب حدیقه ناصری می نویسد: وی در آبادی و تعمیر شهر سنندج و قلعه حکومتی آنجا



جد کافی و جهد وافی به عمل آورد و عمارت و تالار رو به مشرق بنیاد نهاد و به اتمام رسانید که به "خسرویه مرسوم گردید" وقایع نگار می افزاید که عمارت مذکور در زمان او به همان حالت برقرار بوده است. (کردستانی، 1149)

در سال 1214 ه. ق که نوبت حکومت به امان الله خان می رسد، وی قلعه حکومتی را توسعه کلی می دهد و چندین تالار و عمارت در آنجا بر پا می دارد. صاحب حدیقه ناصریه می نویسد که غالب این تالارها در زمان وی - دوره ناصرالدین شاه قاجار - بر پا بوده است. امان الله خان در قلعه مذکور تالاری مخصوص می سازد که کف آن را به صورت نیمه شفاف مفروش و بر روی دیوارهای آن تصاویر کتیبه های زیبایی منقوش و نصب شده بود. همچنین یک سالن احداث می کند که تصاویر پادشاهان مهم دنیا از جمله یک تصویر بسیار بزرگ ناپلئون، امپراتور فرانسه و الک ندر امپراتور روسیه و چند تصویر از جنگهای معروف بر دیوارهای آن نقاشی شده بود. در یکی از تالارهای این بنا تصویر 11 تن از والی های اردلان و نیز یک تابلوی زیبا از منظره رود خانه قشلاق وجود داشته که تا سال 1917 میلادی (1296 ه. ش) باقیمانده بود. این قلعه از اتاق های بزرگ، حمام و استخر با ارزش برخوردار بوده که قسمت اعظم آن تخریب و آثار چندانی از آن باقی نمانده است. به طوری که روایت می کنند. (مشاور بوم نگار پارس، 1383:83)

در دوره رضا خان آثار با ارزش قلعه حکومتی شهر توسط حاکم شهر به نام "علی محمد بنی آدمی" ملقب به شریف الدوله از بین رفت. این حاکم تالار بزرگ رو به تپوله (محل سر تپوله) که با نهایت استادی نقاشی شده بود و همچنین کلیه باغها و تالارها و عمارت های با ارزش دژ حکومتی را با خاک یکسان نموده ما بقی نیز توسط امیر لشکر های رضا خان به نابودی کشیده شد و حوض مرمرین قلعه حکومتی که از سنگ سبز (یشم) بود و در دوره امان الله خان بزرگ ساخته شده بود و به تهران منتقل شد و در کاخهای رضا خان به کار برده شد. در زمان محمد رضا پهلوی قلعه حکومتی تخریب شده در اختیار نیروهای نظامی قرار گرفت و بر روی خرابه های آن ابنیه چندی را ساختند و به عنوان باشکاه افسران از آن استفاده می شد. در حال حاضر موقعیت قلعه حکومتی تا حدودی با حفظ عملکردش توسط نیروهای نظامی به عنوان پایگاه هی جهت ستاد لشکر سپاه مورد استفاده قرار می گیرد. (مشاور بوم نگار پارس، 1383:84)

با توجه به اطلاعات موجود، اوج آبادانی قلعه حکومتی سنندج در زمان امان الله خان بزرگ بوده که عناصر آن متشکل بوده است از یک میدان مرکزی با حوض و استخر در وسط که گرداگرد آن 4 تالار بزرگ روبه شمال، جنوب، مغرب و مشرق قرار داشته است.

### نتیجه گیری

تعادل میان به فاکتور امنیت، اقلیم کوهستانی و خصوصیات مردم کرد، ایده ایجاد قلعه را در این ناحیه به پیش برده است که با ساخت و بافت سکونتگاه های این ناحیه علی الخصوص شهری همچون سنندج در هم تنیده است. در همین راستا ساخت اربابی محلات با هسته عمارت اربابی که منظومه محله بر گرد آن شکل میگیرد به عنوان نظریه ای مندرج در این نوشتار طرح شده است. در خصوص محدوده ارگ سنندج نیز باید گفت بهتر است که برای حفظ این هویت کار بری محل فعلی آن از نظامی به عرصه های عمومی و فرهنگی تغییر یابد. بدون تردید گمانه زنیهای باستان شناسی در تپه فوق بسیاری از آثار با ارزش تاریخی و فرهنگی شهر سنندج را آشکار خواهد ساخت و با بازسازی و مرمت آنها می توان سامانه ای وسیع از تاریخ و فرهنگ تمدنی باستانی را در مرکز شهر ایجاد کرد که در شناخت تاریخ و فرهنگ ایران بسیار موثر خواهد بود.



## مراجع

- [1] اشمیت، اریک. پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه آرمان شیشه گر. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران. 1376
- [2] لسترنج. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. شرکت انتشارات علمی فرهنگی. 1377.
- [3] سنندجی، میرزا شکرالله. با تصحیح دکتر حشمت الله طبیبی. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای استان کردستان. انتشارات امیرکبیر. 1364.
- [4] کشاورزی، شاهو. طراحی شهری در خیابان انقلاب شهر سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. تهران. 1385
- [5] مردوخ، محمد. تاریخ کرد و کردستان. انتشارات غریقی. سنندج. 1350.
- [6] موله - هرتر فلد - گریشمن. سرزمین جاوید. ترجمه ذبیح الله منصوری. انتشارات زرین. تهران. 1378.
- [7] سازمان مسکن و شهرسازی. مطالعات مهندسی مشاور بوم نگار پارس برای سایت فردوسی سنندج. 1383.

---

<sup>1</sup> ارزیابی مزبور برگرفته از کتاب امرای اردلان نوشته محمد کامبیز قصری. 1387 می باشد.